بسمه تعالی

**موضوع**: واجبات رکوع /رکوع /صلاه

فهرست مطالب:

[ادامه مساله 4 1](#_Toc135165332)

[تجدد قدرت بعد از رکوع جلوسی یا ناقص یا ایمائئ 1](#_Toc135165333)

[اشکال علم اجمالی 2](#_Toc135165334)

[تجدد قدرت در اثناء رکوع جلوسی 3](#_Toc135165335)

[نقد کلام صاحب عروه 4](#_Toc135165336)

[تجدد قدرت در اثناء رکوع ناقص قیامی یا رکوع ایمائی 4](#_Toc135165337)

[کلام محقق سیستانی 5](#_Toc135165338)

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته مساله 4 مطرح شد که در ادامه مساله در مورد کسی است که در اثناء رکوع جلوسی یا رکوع ناقص قیامی یا در ایماء به رکوع، قادر بر رکوع تام قیامی می شود، حکمش چیست؟ صاحب عروه فرمودند: اگر بعد از اتمام ذکر واجب متوجه شود، همین رکوع جلوسی کافی است و فقط برخیزد و قیام کند تا قیام بعد از رکوعش محقق شود و اگر قبل از تمام شدن ذکر واجب، تمکن از رکوع قیامی پیدا کند، با همان حالت انحناء و تقوس، برمی خیزد و هیات رکوع را حفظ می کند و رکوع جلوسی او در ادامه، رکوع قیامی می شود و ذکر را می گوید و احتیاط مستحب این است که نماز را اعاده کند. در ادامه کلام محقق خوئی و محقق سیستانی مطرح شد.

# ادامه مساله 4

در مساله 4 دو صورت از تجدد قدرت مطرح است

یک: تجدد قدرت بعد از رکوع جلوسی یا رکوع ناقص قیامی یا رکوع ایمائی

دو: تجدد قدرت در اثناء رکوع جلوسی یا رکوع ناقص قیامی یا رکوع ایمائی

## تجدد قدرت بعد از رکوع جلوسی یا ناقص یا ایمائئ

در مورد تجدد قدرت بعد از رکوع جلوسی، بیان شد که اگر در ضیق وقت است، نماز صحیح است؛ چون رکوع جلوسی امر داشت و نیازی هم به قیام بعد از رکوع جلوسی نیست، بخلاف نظر صاحب عروه و محقق سیستانی که فرمودند: باید قیام بعد از رکوع جلوسی را انجام دهد؛ چون رکوع اش را نمی توانسته قیامی انجام دهد اما قیام را که می تواند؛ لذا باید اتیان کند اما به نظر ما چون دلیلی بر وجوب قیام بعد از رکوع جلوسی نداریم و دلیل وجوب قیام بعد از رکوع، برای رکوع قیامی است و شامل کسی که رکوع جلوسی کرده، نمی شود.

## اشکال علم اجمالی

اما مشکلی این جا مطرح است که باید بررسی شود:

بنابر برخی از انظار که ماهم به آن تمایل داریم، اگر فی علم الله قیام بعد از این رکوع جلوسی، مامور به نباشد ولو بدون قصد جزئیت، مصداق زیاده مبطله نماز است. فرض کنید که هیچ امری( اعم از استحبابی و وجوبی) بر قیام بعد از رکوع جلوسی نداریم که مقتضای اصل برائت از وجوب همین است و احتمال استحباب هم عادتا داده نمی شود؛ لذا اگر واجب نباشد، امر ندارد و اگر امر نداشته باشد، اتیان به فعلی شده است که امر ندارد و مسانخ با افعال نماز است.

برخی مثل محقق خوئی قائلند که مقوم صدق زیاده، قصد جزئیت است و فقط رکوع و سجود را استثناء می کند که بدون قصد جزئیت هم زیاده حاصل است؛ چون در روایت زراره و روایت علی بن جعفر آمده است که سجود، زیاده در نماز فریضه است و تطبیق بر سجود تلاوت شده است و سجود تلاوت را کسی قصد نمی کند که جزء نماز باشد اما محقق خوئی فرمودند: این تعبد مختص به سجود است و به رکوع هم از باب اولویت قطعیه تعدی می شود اما در غیر رکوع و سجود، اگر قصد جزئیت نشود، زیاده صدق نمی کند.

طبق این نظر می شود بعد از رکوع جلوسی احتیاطا قیام انجام داد و نظر صاحب عروه و محقق سیستانی را مراعات کرد اما کسانی که می گویند: در صدق زیاده در نماز، مسانخت کافی است ولو قصد جزئیت نشود؛ اگر فرض کنید تعبد خاصی هم نبود، اگر وسط نماز آیه سجده می خواندید یا می شنیدید و سجده تلاوت می کردید، عرف صدق زیاده می داند یا در نماز دو رکوع انجام بدهید اما قصد ندارید که رکوع دوم جزء نماز باشد، مثل اینکه نذر می کنید که در ساعت 8 رکوع برای خدا کنید و الان وسط نماز ساعت 8 می شود و به نیت اداء نذر رکوع می کنید، اگر تعبد خاص هم نبود، عرف صدق زیاده می داند.

ما به این نظر متمایل بودیم و می گفتیم که ممکن است در صدق عرفی زیاده بدون قصد جزئیت، تشکیک کنیم؛ چون زیاده دو معنا می تواند داشته باشد: یک: اتیان به جزء مسانخ بدون قصد جزئیت، دو: اتیان به شیء با قصد جزئیت؛ اما قدر متیقن از زیاده، اتیان به قصد جزئیت است و ظهوری بیشتر از این ندارد اما به برکت تعلیل در روایت زراره و علی بن جعفر فهمیدیم که مراد از نهی از زیاده، زیاده به معنی الاعم است، نه اینکه تعبدا مصداق ادعائی برای زیاده درست کرده باشند و این خلاف ظاهر تعلیل است، ظاهر تعلیل «فَإِنَّ السُّجُودَ زِيَادَةٌ فِي الْمَكْتُوبَةِ»[[1]](#footnote-1) این است که به امر غیر تعبدی تعلیل می کند که عرف متوجه می شود، بله ممکن است عرف از اطلاق لاتزد فی صلاتک، فرض عدم قصد جزئیت را استظهار نکند، اما وقتی روایت «لَا تَقْرَأْ فِي الْمَكْتُوبَةِ بِشَيْ‌ءٍ مِنَ الْعَزَائِمِ فَإِنَّ السُّجُودَ زِيَادَةٌ فِي الْمَكْتُوبَةِ» می شنود، به ذهنش زیاده به معنی الاعم می رسد و لذا عرف استظهار می کند که اتیان به هر شی مسانخی در نماز ولو بدون قصد جزئیت، اگر امر نداشته باشد (نه وجوبا و نه استحبابا)، این زیاده در نماز است.

اگر حجت بر زیاده بودن این قیام نداشتیم و احتمال می دادیم که فی علم الله این امر استحبابی داشته باشد، استصحاب عدم امر استحبابی، بخواهد اثبات کند که این زیاده است، اصل مثبت است.

اما اگر حجت ولو اجمالیه بر زیاده بودن قیام پیدا شود، کار خراب است؛ اگر فی علم الله بعد از رکوع جلوسی امر وجوبی و استحبابی نداشته باشد، اتیان به جزء مسانخی است ولو بدون قصد جزئیت و مصداق من زاد فی صلاته می شود.

علم اجمالی داریم که یا قیام بعد از رکوع جلوسی واجب است و یا اگر واجب نیست، احتمال استحباب هم داده نمی شود؛ پس اتیان آن مصداق زیاده در نماز است. با این علم اجمالی چه باید کرد؟

اگر این علم اجمالی جواب داده نشود، (که تا الان هم جوابی برایش پیدا نکردیم) این شخص باید دو نماز بخواند و یا مثل محقق سیستانی و محقق زنجانی بگویم: هر کس علم اجمالی دارد باید احتیاط کند و عوام الناس که علم اجمالی ندارند، احتیاط لازم نیست که ما هم این را قائل هستیم.

ما قبلا جواب می دادیم که قیام که جزء نماز نیست، بلکه شرط نماز است اما قیام بعد از رکوع را نمی توان گفت شرط نماز است، بله قیام حال قرائت یا قیام در حال تکبیره الاحرام، شرط قرائت و تکبیره الاحرام است اما قیام بعد از رکوع، شرط رکوع نیست و واجب مستقل است.

## تجدد قدرت در اثناء رکوع جلوسی

اما اگر تجدد قدرت در اثناء‌ رکوع جلوسی باشد، صاحب عروه فرمودند: «قبل از اتمام ذکر واجب اگر تجدد حاصل شود، با همان حالت خمیدگی، بایستد تا صدق رکوع بکند؛ فقط رکوع جلوسی به رکوع قیامی تبدیل می شود و در حال رکوع قیامی ذکر واجب را تکمیل می کند؛ چون ذکر واجب باید در حال رکوع مامور به باشد و رکوع جلوسی، رکوع مامور به نیست.»[[2]](#footnote-2)

### نقد کلام صاحب عروه

اگر اصرار دارید که ذکر واجب باید در رکوع مامور به باشد، اشکال ما این است که رکوع جلوسی در ادامه، مامور به نیست و رکوع قیامی هم دلیل نداریم که در حق این فرد مامور به باشد و عملا عجز از اتیان ذکر واجب در رکوع مامور به است و حدیث لاتعاد می گوید: ذکر واجب را رها کنید و نماز را ادامه دهید.

اما عرض ما این بود که رکوع جلوسی مامور به را حین احداث رکوع باید ملاحظه کرد و هنگام امتثال رکوع، زمانی است که فرد به رکوع می رود و او در آن لحظه مریض بود و امر به رکوع جلوسی داشت؛ پس این، امتداد رکوع جلوسی مامور به است و بقای این رکوع که امر ندارد؛ لذا اگر یک آن رکوع جلوسی را احداث کند، امتثال امر به رکوع کرده است، فقط باید ذکر واجب را در امتداد این رکوع جلوسی بگوید.

اگر گفته شود که رکوع جلوسی برای کسی امر دارد که مریضی اش ادامه داشته باشد، نتیجه اش این است فردی که در اثناء تجدد قدرت می شود، کشف می شود که این رکوع جلوسی از ابتدا اصلا امر نداشته است و نمازش باطل است و این را خود همین بزرگان قبول ندارند.

لذا معتقدیم در این حال اگر ذکر واجب بگوید، اشکال ندارد و چون دلیل بر تعین آن نداریم و می تواند رکوع جلوسی را به رکوع قیامی تبدیل کند و زیاده مبطله بودن این رکوع را (که محقق خوئی در موسوعه فرمودند) قبول نداریم و عملا قائل به تخییر می شویم بین اینکه در حال رکوع جلوسی، ذکر واجب بگوید که محقق خوئی قائلند و یا به حالت خمیدگی بایستد و در آن حالت ذکر واجب بگوید که صاحب عروه قائلند و یا دو نماز بخواند به دو کیفیت که برخی این احتیاط را قائل اند.

## تجدد قدرت در اثناء رکوع ناقص قیامی یا رکوع ایمائی

اگر در اثناء رکوع ناقص قیامی و یا در اثناء رکوع ایمائی، قادر بر رکوع تام قیامی شود، صاحب عروه فرمودند:

«احوط این است که به حد رکوع تام انحناء کند و بعد نماز را اعاده کند»[[3]](#footnote-3)

محقق خوئی و محقق سیستانی فرمودند: اعاده برای چیست؟ اگر در اثناء‌ رکوع ناقص قیامی است، بیشتر خم می شود تا به حد رکوع تام برسد و ذکر واجب می گوید و اگر در اثناء ایماء به رکوع است، به حد رکوع تام انحناء پیدا می کند و نماز را تمام می کند و نهایتا ایماء به رکوعش زیاده است که چون سهوا است، مبطل نیست؛ چون ایماء، رکوع عرفی نیست ولو قصد جزئیت هم داشته باشد، مثل اینکه سهوا قیام می کند و قصد جزئیت هم دارد اما حدیث لاتعاد شامل است، فقط زیاده رکوع عرفی را لاتعاد شامل نیست که ایماء‌ به رکوع، رکوع عرفی نیست؛ لذا مشمول لاتعاد است.

ممکن است صاحب عروه احتیاطش در ایماء از این جهت باشد که مکلف ایماء به رکوع، وظیفه اش بوده است و رکوعی که بعد احتیاطا انجام می دهد، مصداق زیاده باشد که در این صورت حق با صاحب عروه است.

اما در مورد رکوع ناقص قیامی، اگر صدق رکوع عرفی نمی کند، این احتیاط جا دارد اما اگر انحناء به حد رکوع عرفی است، اینکه بیشتر خم بشود که رکوع زاید نیست، مثل اینکه در حال رکوع تام است، بیشتر خم بشود که اشکالی ندارد و انحناء بیشتر که رکوع زاید نیست؛ لذا در این صورت احتیاط ایشان وجهی ندارد.

جواب اصلی این است که اگر در ضیق وقت هم باشد، کشف می شود که این فرد می تواند رکوع تام قیامی انجام دهد و از انجام آن، مشکلی حاصل نمی شود و با رکوع جلوسی تفاوت می کند که زیاده رکوع می شود و اتفاقا در این حالت کشف می شود که امر اضطراری شامل حالش نمی شود و امر اضطراری از این شخص انصراف دارد ولو در ضیق وقت ایماء به رکوع کرد و در اثناء رکوع قادر بر رکوع تام قیامی می شود اما کشف می شود که اصلا امر به رکوع ایمائی نداشته است و رکوع تام قیامی وظیفه اش بوده است.

### کلام محقق سیستانی

محقق سیستانی هم فرمودند: رکوع ایمائی یا رکوع ناقص قیامی را به رکوع تام قیامی تبدیل کند و نماز صحیح است و اعاده ندارد.

اشکال ما این است که اگر در رکوع ناقص قیامی، صدق رکوع عرفی کند، مقتضای مطلب شما در سجود این است که اگر اینجا هم بعد از اتمام ذکر واجب، قادر بر رکوع تام قیامی می شود، بگویید که لازم نیست رکوع تام قیامی انجام دهد. اما در این مساله به صورت مطلق فرمودند: اظهر این است که رکوع ناقص قیامی را به رکوع تامی قیامی تبدیل کند؛ چه قبل از ذکر واجب باشد و چه بعد از ذکر واجب.

صاحب عروه فرمود: «و إن حصل في أثناء الركوع بالانحناء الغير التام أو في أثناء الركوع الإيمائي فالأحوط الانحناء إلى حد الركوع و إعادة الصلاة»[[4]](#footnote-4) شما تعلیقه زدید که بل هو الاظهر، اگر مقصودتان از این تعلیقه این است که باید این کار انجام شود، طبق مبنای شما نیازی به رکوع تام قیامی ندارد.

ایشان در مساله سجده فرمودند: اگر کسی از روی سهو یا جهل قصوری بر فرش سجده کند و ذکر سجده را بگوید و بعد متوجه بشود که بر فرش سجده کرده است، مشهور قائلند که باید سرش را به سمت مهر بکشد و رفع راس نکند (البته محقق خوئی فرمودند باید رفع راس کند تا احداث سجده بر ما یصح السجود حاصل شود) محقق سیستانی که موافق مشهور هستند در فرض بعد از گفتن ذکر واجب فرمودند: لازم نیست سر را به سمت مهر بکشد؛ چون السنه لاتنقض الفریضه ارتباط بین سنن (یعنی واجباتی که در کتاب بیان نشده است) و بین فرائض (یعنی واجباتی که در کتاب بیان شده است) را در حال عذر قطع کرده است و فقط در حال عدم عذر باهم مرتبط هستند و این مکلف در حال ذکر گفتن، عذر داشته است و در این حال، شرط سجود این نبود که بر یصح السجود باشد.

در مساله رکوع که امرش اسهل است؛ چون رکوع ناقص قیامی انجام داد و امکان ایصال کفین به رکبتین را شما می فرماید سنت است و این فرد رکوع عرفی کرد، فقط اخلال به سنت کرد و در حال عذر ارتباط بین سنت و فریضه برقرار نیست و باید قائل می شدند که نیازی به انحناء تام قیامی نیست.

1. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص318.](http://lib.eshia.ir/11005/3/318/المکتوبه) [↑](#footnote-ref-1)
2. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص667.](http://lib.eshia.ir/10028/1/667/فالاحوط) [↑](#footnote-ref-2)
3. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص667.](http://lib.eshia.ir/10028/1/667/الاعاده) [↑](#footnote-ref-3)
4. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص667.](http://lib.eshia.ir/10028/1/667/فالاحوط) [↑](#footnote-ref-4)